گفت‌وگوی محمدرضا یزدانپرست با علی کفاشیان

از فوتبال و ریاست، تا اقتصاد و سیاست با مرد همیشه‌خندان

گپ‌وگفت، با آخرین اخباری که درباره او منتشر شده آغاز می‌شود؛ رد صلاحیت در انتخابات ریاست فدراسیون فوتبال. معتقد است سند و مدرکی برای رد صلاحیتش وجود ندارد و می‌گوید مهدی تاج و تیمش، ریش و قیچی دست‌شان افتاده و جنبه استفاده از آن را ندارند. در ادامه به خیلی سوژه‌ها سر زده‌ایم و سرک کشیده‌ایم؛ از آشفتگی مفرط در اکثر شئون فوتبال‌مان مثل فوتبال زنان، تیم‌های پایه، دلالی‌ها، فسادهای متعدد، پرونده‌های شکایت بازیکنان و مربیان خارجی در فیفا، خرابی استادیوم‌ها و... تا برکناری ناجوانمردانه اسکوچیچ و جایگزینی کی‌روش با او در آستانه جام جهانی قطر و نمره کفاشیان به برخی رؤسای فدراسیون فوتبال مانند محسن صفایی‌فراهانی و محمد دادکان و خودش.

از آنجا که پیش از انقلاب، فعالیت سیاسی و مذهبی داشته و سمپات حزب جمهوری اسلامی بوده، به سیاست هم پرداخته‌ایم و از آن مهم‌تر، از آنجا که تحصیلات اقتصادی دارد و در بخش ارزی بانک مرکزی سال‌ها کار می‌کرده، به سراغ دلار و افزایش قیمت‌های پی‌درپی آن هم رفته‌ایم؛ هنگام مصاحبه، دلار، نود و چند هزار تومان بوده و حالا صد و چند هزار تومان است.
ضمنا نمی‌شود با علی کفاشیان گفت‌وگو کرد و به تکنیک خنده‌های معروفش برای ماستمالیزاسیون دشواری‌ها و چالش‌ها نرفت. او چرا و چگونه به این تکنیک رسیده و چه اوقاتی از آن استفاده می‌کند؟

من تا الان یک ردصلاحیت‌شده فوتبالی را از نزدیک با کیفیت 4K ندیده بودم.

من خودم هم ندیده بودم. رفتم در آینه نگاه کردم و دیدم بد هم نیست آدم یک موقع‌هایی ردصلاحیت‌شده ببیند... . خوب است.

چه چیزی دیدید؟ آقای کفاشیان ردصلاحیت‌شده را؟

بله، دیدیم بالاخره بعد از مدت‌ها کار زیاد... البته من یک موقع‌هایی در این انتخابات بود که مثلا می‌دیدم کسانی از مسئولان یا مثلا رئیس مجلس بوده‌اند و بعد ردصلاحیت می‌شوند و بعد رئیس‌جمهور؛ این است که بالاخره اینجا هم این باب شد. منتها حالا آنها شاید یک مواردی داشتند، ولی درباره ما مورد خاصی نبود و فقط به خاطر ترس از این بود که بنده بیایم و ممکن است رأی بیاورم، که حالا ممکن است هم نیاورم... . این ردصلاحیت را زدند و بعد گفتیم خب، بالاخره ما این یک قلم را کم داشتیم که این هم الحمدلله انجام شد.

خود آقای پزشکیان این‌طور بود دیگر؛ در مجلس ردصلاحیت می‌شوند، بعد تأیید صلاحیت می‌شوند و بعد هم که رئیس‌جمهور شدند. شما می‌گویید موردی هم نبود و این صحبت‌ها. مگر می‌شود؟

بله، حالا که شده. بالاخره وقتی که ریش و قیچی دست یک عده بیفتد و جنبه استفاده‌اش را نداشته باشند، خودشان می‌آیند و در یک تشکیلاتی می‌نشینند و... . خیلی هم جالب است که مثلا درباره همین فدراسیون فوتبال، همه اساسنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها را اصلا خودمان نوشتیم، خودم مدعی این کار بودم و به همه آن مسلط هستم و همچنین به قوانین فیفا. بعد افرادی را می‌آورند که به اینها می‌گویند شما مثلا کمیته استیناف هستید، به آنها می‌گویند کمیته بدوی هستید و بعد به آنها می‌گویند که این را رد کن و آن را بگذار و آنها هم می‌گذارند. جالب هم این است که حالا آنها هم حرفی برای گفتن ندارند؛ یعنی ما با آنها تماس می‌گیریم که آقا! شما بگویید علت آن چیست که ما هم بدانیم؟ اصلا نه جواب می‌دهند و نه تلفنی و نه چیزی. آقایان بالاخره امتیازی را که باید بگیرند، گرفتند و آن رأی را هم دادند و دیگر خودشان هستند و فدراسیون. نوش جان‌شان.

آقای کفاشیان! می‌فرمایید «وقتی ریش و قیچی دست یک عده می‌افتد»، به‌صراحت می‌فرمایید که آن یک عده چه کسانی هستند؟

من کلی می‌گویم. در فدراسیون همین است دیگر. وقتی که خود رئیس فدراسیون می‌آید و می‌بیند که آمدنش به خطر افتاده و ممکن است رأی نیاورد (قبلش که می‌گوید من صددرصد رأی می‌آورم)، بعدش که می‌آید و می‌بیند رأی نمی‌آورد، آن کمیته‌ها را درست می‌کنند و این کمیته‌ها می‌آیند و طبق دستور ایشان این رأی را می‌دهند. چون اگر دستور ایشان نبود، پس باید استنادشان را می‌آوردند. وقتی استنادشان را نمی‌آورند، پس مشخص است که طبق هماهنگی‌ها و دستور ایشان است. خیلی هم قشنگ می‌گوید من بی‌گناهم و این کمیته‌ها گفتند.

ایشان آقای «تاج» است؟

بله دیگر، آقای تاج است.

خب! شما می‌گویید من خودم این اساسنامه‌ها و بندها و تبصره‌ها و این حرف‌ها را بلدم؛ پس شما بر این بندها و تبصره‌ها و مواد قانونی مسلط هستید.

بله.

پس علی کفاشیان اگر معترض می‌شود، با استدلال معترض می‌شود.

جواب استدلال باید استدلال باشد.

نیست. چرا؟

این را به نظرم باید از آنها سؤال کنیم که چرا نیست. متأسفانه من به مرجع بالاترش هم به‌عنوان مرجع داخلی کشور نرفتم، چون فدراسیون فوتبال از نظر بنده و اساسنامه‌اش یک فدراسیون مستقل و غیردولتی است. مرجع بالاترش را من ای‌اف‌سی و فیفا دیدم که طی نامه‌ای تمام استدلال‌ها، اساسنامه و بندها را برای آنها نوشتم و آنها هم نگاه کردند و دیدند و حتی ای‌اف‌سی جوابیه‌ای تهیه کرد که از فدراسیون سؤال کنیم که استناد شما چه بوده، ولی فیفا این پیگیری را انجام نداد و جواب نداد.

پس شما اعتراض‌تان را کردید؟

بله، من اعتراض کردم.

فیفا هم پیگیری نکرد؟

البته، ما پیگیری کردیم، ولی فیفا هیچ‌گونه محل نگذاشت و اصلا پاسخ نداد. حالا این را که شاید در آینده پاسخ بدهد، من نمی‌دانم، ولی تا الان پاسخ نداده است. البته در یک بندی از اساسنامه فدراسیون آمده که ما می‌توانیم برویم به CAS که یک نهاد مستقل است شکایت کنیم؛ ولی من ترجیح دادم که این شکایت را انجام ندهم و وقتی که دیدم همه اعضای مجمع هم این بی‌عدالتی را قبول کردند و به آقای تاج رأی دادند، من دیگر چه شکایتی کنم؟

یعنی لابی‌شان در حدی است که تا فیفا می‌تواند برسد که آنها هم پیگیری نکنند؟

من اینها را آن‌قدر قوی نمی‌بینم که در فیفا لابی کنند.

پس چه خبر است؟

ولیکن حالا فیفا چه سیاستی دارد که این را جواب نداده یا اصلا برایش مهم نبوده، آن را نمی‌دانم. چرا؟ چون قبلا این‌طور نبود. قبلا یک بند اساسنامه بود که فرض کنید مثلا وزیر ورزش در اساسنامه جزء مجمع ما بود. آنها نامه نوشتند که نه، این بند باید حذف بشود و نباید باشد و فلان؛ و فدراسیون مستقل است و فلان. خب! تا این حد می‌آمدند دخالت می‌کردند. ولی الان دیگر نمی‌دانم چه اتفاقاتی در آنجا افتاده که درواقع جواب ندادند یا شاید هم قرار است جواب بدهند؛ این را نمی‌دانم.

می‌گویند آن را که حساب پاک است، از محاسبه چه باک است. شما می‌گویید که از نگاه خودتان کارنامه مشخص و شفافی داشتید، ولی ردصلاحیت شدید. هیچ هیچ هیچ در این کارنامه نبوده است؟ حتی چیزی که خودتان فکر کنید برای آنها شائبه‌ای وجود دارد؟ چه مسائل مالی و چه زدوبندهایی که درِ فوتبال ما معروف و معمول و مرسوم است؛ البته به غلط. هیچِ هیچِ هیچ نبوده است؟ حساب پاکِ پاکِ پاک است؟

حساب بنده؟

بله.

خب ببینید! ما بالاخره در فدراسیون کار کردیم. وقتی کار می‌کنیم و فعالیت می‌کنیم، خوب قطعا یک سری موارد هم پیش می‌آید. حالا همان مواردی که پیش آمد، الان ده‌ها برابر آن پیش می‌آید و آمده؛ مثلا فرض کنید خودش فرضا حالا همه می‌گویند یک مقداری پرونده ویلموتس است، ولی ما در تمام کارها هم همیشه سعی کردیم که منافع فدراسیون را حفظ کنیم، برایش منافعش را به دست بیاوریم و در راستای آن ما میلیون‌ها دلار درآمدزایی کردیم از موارد خارجی، از اسپانسرهای خارجی، از امکاناتی که فوتبال می‌توانست به وجود بیاورد. نه بودجه‌ها؛ بلکه از بیرون.

بله؛ آنها آن درآمدزایی‌ها را نمی‌بینند ولی آن شائبه‌های پرونده‌ها را می‌بینند؟

یک مورد مثلا این بود که ما با یک شرکت خارجی قرارداد بستیم در مسابقه جام جهانی اولیه. حدود بیش از ۱۴۰، ۱۵۰ هزار دلار از آنها گرفتیم و به صداوسیما گفتیم حق پخش فنی را به آنها دادند. دور دوم هم که باز با همین‌ها آمدیم (هیچ‌کس دیگری هم نبود و فقط همین‌ها بودند)، چهار تا قرارداد بستیم. اینها پول اولین قرارداد را ندادند و گفتند موارد دیگر را انجام بدهیم؟ گفتیم نه. این را بدهید تا ما آن را انجام دهیم. این را ندادند. این ۷۹ هزار دلار بود که ندادند و به‌اصطلاح اصلا رفتند. مشخص بود که می‌خواستند کلاهبرداری کنند. خب ما هم مسئول امور بازاریابی داشتیم، کمیته بازاریابی داشتیم، تصویب کردیم و رفتند پیگیری کردند. بعد هم ما دنبال آن رفتیم و نامه به جاهای مختلف مثلا به فیفا و ای‌اف‌سی نوشتیم و آن را بلاک کردند. بعد خواستیم شکایت کنیم که دیدیم دفترشان به دوبی رفته و باید ۲۰۰ هزار دلار خرج کنیم که بخواهیم ۷۹ هزار دلار را به دست بیاوریم! ما دیگر شکایت نکردیم و فقط در فیفا پیگیری کردیم و در ای‌اف‌سی بلک‌لیست کردیم و به جاهای دیگر یعنی همه جا گفتیم. بعد در یک جلسه هیئت‌رئیسه هم که ما در ای‌اف‌سی داشتیم، من در آنجا مطرح کردم که باید به صورت بین‌المللی آن شرکت را پیگیری کنیم، دیدم که کشورهای مالزی و سنگاپور هم گفتند که این شرکت آمده از ما هم خیلی بیشتر از اینها حق پخش گرفته و پولش را نداده است.

خب این یک مورد بود. ولی اگر بیاییم جمع کنیم، شاید میلیون‌ها دلار اسپانسری گرفتیم و از خارج گرفتیم. فقط این یک مورد بوده که کمیته بازاریابی ما این کار را کرده است، اما کمیته اخلاقِ آن زمان با یک غرض خاص، پرونده را از یک کانال دیگری گیر می‌آورد. چه زمانی است؟ زمانی است که دیگر بنده از رئیس فدراسیونی خارج شده‌ام و دیگر رئیس فدراسیون نیستم و نایب‌رئیس هستم. آن زمان که آقای تاج دوباره می‌آید و رئیس فدراسیون می‌شود، آن کمیته اخلاق می‌آید و درواقع این رأی را می‌دهد و یک جا من و آن مسئول کمیته بازاریابی را محروم می‌کند! درصورتی‌که وقتی به کمیته استیناف رفته و خودِ آنجا از نظر مالی هیچ سوءاستفاده‌ای نشده و هیچ پولی هم از فدراسیون نرفته و فقط یک حق فنی بوده که تلویزیون به او داده و ما هم در فدراسیون نه یک ریال خرج کردیم و نه کاری کردیم و برای این آمده ما را محروم کرده است! اگر مثلا به خاطر چنین چیزی ما را محروم کند، پس پرونده‌های دیگری را که الان هست، کمیته اخلاق باید چه کار کند؟
این هم یک غرض سیاسی بود که می‌خواستند بنده را این‌طور بزنند که در فدراسیون نباشم، چون من در آن زمان نایب‌رئیس بودم. بعد از یک سال نایب‌رئیسی، همان موقع ما به استیناف اعتراض دادیم و بعد از ۸، ۹ ماه تشخیص دادند که نه، بنده باید بیایم سرپرست فدراسیون بشوم، آمدند این رأی را، یعنی درواقع محرومیت را کم کردند و از پنج سال به یک سال تقلیل پیدا کرد و در آن هم نوشتند که ایشان هیچ‌گونه

مسئله مالی نداشته و سابقه‌اش هم بسیار خوب است.

آن وقت آن کمیته بدوی و کمیته استیناف که تشکیل دادند که یک ماه قبل از انتخابات فدراسیون بود، قبلی را منحل کردند؛ چون با آنها خوب نبود. یک ماه قبلش این را تشکیل دادند و اینها بدون اینکه هیچ اطلاعاتی از اساسنامه‌های فدراسیون داشته باشند، بنده را رد کردند که آقای موسوی، رئیس کمیته تدوین مقررات فدراسیون، یک هفته قبل از انتخابات در برنامه «ورزش و مردم» آمد و گفت: من رفتم از اینها سؤال کردم که شما ...

این کار غیرقانونی بود، ولی در هر صورت بحث این بود که بنده به انتخابات نیایم. ما هم از آنها تشکر می‌کنیم. خیلی خوشحال هستم که به انتخابات نرفتم و الان... .

اگر قرار است که رد صلاحیت شوید و تشکر کنید و بگویید خیلی خوشحالم که در انتخابات نرفتم، پس چرا نامزد شدید؟

خب قبلش که صلاحیت داشتم. یعنی فکر می‌کردم صلاحیت دارم.

بعد که دیدید صلاحیت ندارید، گفتید خدایا شکرت که صلاحیت ندارم!

خدایا شکرت که بنده را به ناحق رد کردند.

آقای کفاشیان! در عالم سیاست هم این‌طور است. می‌روند نامزد می‌شوند، رد صلاحیت می‌شوند، اعتراض می‌کنند، تأیید صلاحیت می‌شوند، رأی نمی‌آورند و می‌گویند خدا را شکر که رأی نیاوردم. اگر قرار است که بگویید خدایا شکر که رأی نیاوردم که...

نه. من به رأی‌گیری نرسیدم. من می‌گویم خدایا شکر که بنده این‌طوری کنار آمدم. یعنی می‌گویم که آنها ماهیت خودشان را نشان دادند و... .

یعنی ردصلاحیت‌شدن آبرومندتر از این است که بروید و رأی نیاورید؟

فرقی نمی‌کند. آن بهتر است دیگر. بله، این رد صلاحیت بهتر است چون رد صلاحیت غیرقانونی بود. حتی قبل از آن به من گفتند که شما نیا و فلان!

چه کسانی؟

بالاخره از فدراسیون پیغام دادند.

آقای تاج و تیمشان؟

بله. به من گفتند که نیا، نیا. من هم گفتم که نه، من می‌آیم. مشکلی ندارد.

گفتید من را به لحاظ سیاسی زدند. قبل از اینکه به این مورد برسم...

نگفتم سیاسی...

متوجه شدم؛ منظورتان سیاست فدراسیون بود.

چون من هیچ‌وقت در مسیر کارهای سیاسی نبودم.

بله؛ حالا اتفاقا یک مقدار هم بودید و سراغ این موضوع هم می‌خواهم بروم. چون وجه ورزشی شما پررنگ‌تر از فعالیت‌های سیاسی‌تان بوده است. البته مربوط به سال‌های بسیار قبل است، اما مثل پرونده آقای ویلموتس که هنوز هم کلی ابهام وجود دارد و معلوم نیست چه کسی باید جواب بدهد، خسارت چقدر بوده، مقصر چه کسی بوده و این صحبت‌ها که بماند، همکارهای تخصصی ورزشی من پیگیر هستند و آنها دقیق‌تر می‌توانند ماجرا را پیش ببرند؛ یکی دیگر از این مسائل و ابهامات، مسئله شما با آقای ترابیان بوده و آن ایمیلی که هک شده و آن حسابی که باید می‌رفته و آن پول و بعد آن ایمیل جابه‌جا می‌شود و شماره‌حساب عوض می‌شود و شما به دادگاه و محکمه‌ای می‌روید و هرچه... آن ماجرا چه بوده؟

همین پرونده‌ای است که عرض کردم.

این هم به ویلموتس مربوط است؟

نه. همین پرونده‌ای که ما را برداشتند و محروم کردند. همه کار را آقای ترابیان انجام می‌داد. آقای ترابیان هم بسیار درست و سالم بود. بعد از آن هم باز دوباره کارهای دیگری انجام می‌داد.

آقای عباس ترابیان؟

بله. سرپرست سابق کمیته روابط بین‌الملل فدراسیون فوتبال ایران بود. ایشان اصلا یک‌موقعی مدیر بین‌الملل وزارت نفت بود. بسیار سالم بود. آن طرف وقتی نمی‌خواست پول بدهد، مثلا یک ایمیل را هک کرد، یک سوئیفت تقلبی فرستاد، بعد از آن پلیس فتا به پرونده آمد و دید و گفت که این ایمیل هک شده و او کلاهبرداری کرده و پرونده سالمِ سالم است؛ یعنی هیچ مشکلی ندارد. همه مراحل برای همین پرونده ۷۹ هزار دلاری بوده است.

آقای کفاشیان! در فوتبال ما چه خبر است؟ همه جا همین است؟ حالا من با کشورهای صاحب فوتبال کاری ندارم و تخصصی هم ندارم؛ ولی فسادها، ناکارآمدی‌ها، ورزش پایه، فوتبال زنان، چمن‌مان، تعمیرات استادیوم‌مان، بلیت‌فروشی‌مان، بازارسیاه‌مان، فحاشی در استادیوم‌هایمان، جابه‌جایی‌های مربیان ما، دلالی‌های پنهان غیرقانونی از غیرمسیر ایجنت...! آقای کفاشیان! در فوتبال ما چه خبر است؟

خب ببینید بالاخره فوتبال یک ورزش خیلی عمومی است و مردم زیاد خواهان آن هستند. بعد همه مسائلش دقیقا زیر ذره‌بین است. من ۲۰ سالی در فدراسیون دوومیدانی بودم و مسئول بودم. چهار، پنج سال معاون وزارت ورزش بودم. چهار، پنج سال دبیر کل المپیک بودم. ولی هیچ‌وقت این‌قدر کارهای ما نه زیر ذره‌بین بود و نه چیزی؛ ولی در فوتبال که می‌روید، یک اتاق شیشه‌ای است. هر چیزی را...

ضمن اینکه خب عدد پول هم بالاتر است و توجهات بیشتر است و هر جا هم که ثروت بیشتر است، سروکله فساد هم بیشتر پیدا می‌شود.

بله؛ خب قطعا بیشتر است. بیشتر این قضیه به باشگاه‌ها برمی‌گردد. داخل باشگاه‌ها کنترل خاصی نیست و یک نفر می‌آید که خیلی علاقه‌مند به فوتبال است و یکهو امکانات زیادی می‌ریزد. بعد آن زیرمجموعه‌ها هم متأسفانه از این امکانات سوءاستفاده می‌کنند و فساد و این موضوعات پیش می‌آید. این به خاطر آن مدیریت‌هایی است که اعمال می‌شود. وقتی یک باشگاهی سیستمی ندارد...

درواقع مدیریت‌هایی که اعمال نمی‌شود. اگر مدیریت درست اعمال شود که این خبرها نمی‌شود...

یک مدیریتی بالادست آن مدیریت باشگاه است. آنهایی که می‌آیند این پول را می‌ریزند و در اختیار می‌گذارند، آنها مدیریت اعمال نمی‌کنند دیگر. می‌گویند حتما اینها دارند کار درست انجام می‌دهند. آن طرف هم که می‌گوید: آقا! من اگر بیایم این‌طوری می‌کنم و تیم را آن‌طوری می‌کنم. این هم می‌گوید به‌به، ببین چه خوب است. بعد می‌رود چند وقت خرابکاری می‌کند و می‌رود. نمونه بارز آن، همین دو باشگاه پرسپولیس و استقلال است که مدام، هر دفعه مدیریت‌هایی که عوض می‌شود، مدیریت بعدی که می‌آید، مدیریت قبلی کلی بدهی روی دوش او گذاشته که مربی این‌قدر می‌خواهد، ورزشکار آن‌قدر می‌خواهد و مثلا آن فرد اصلا بازی نکرده و کلی پول گرفته و... اینها مواردی هستند که در فوتبال اتفاق می‌افتد.

حالا یک‌سری مسائلی هست که فساد شرط‌بندی و هواداری و آن حرف‌ها و اینهاست که به نظرم آنها بیشتر بحث‌های اجتماعی‌اند.
مثلا می‌گویند آی استادیوم خراب است! خب به فدراسیون چه؟ خب فدراسیون که مسئول ساخت استادیوم نیست. استادیوم را دیگر باید دولت و وزارت ورزش یا شهرداری‌ها بسازند. مسئول برگزاری مسابقات و لیگ و این‌طور چیزها مثلا جزء فدراسیون است.

هیچ کشوری اندازه ما پرونده شکایت بازیکن-مربی خارجی در فیفا دارد؟

نمی‌دانم. من آمار این را ندارم.

و قبول دارید که آمارمان خیلی بد است؟

آمارمان بالاست و حق هم زیاد ناحق می‌شود؛ یعنی درواقع زیاد به باشگاه صدمه می‌خورد، به خاطر نداشتن اطلاعات و معلومات و...

همین دیگر. مسائل فوتبالی و حقوقی و زبان انگلیسی و...

چون اصلا ببینید در قرارداد ویلموتس که در ایران نبود، ولی شش، هفت میلیارد به او پول دادند. یا درمورد ورزشکارها هم همین‌طور است. یک ورزشکار می‌آورند و قرارداد می‌بندند. یک ورزشکاری اصلا خوب درنمی‌آید و بعد هم می‌گذارد می‌رود و کل خسارتش را هم می‌گیرد.

من تا صحبت درمورد ویلموتس است، یک نکته پرانتزی بپرسم، باز با احترام به همکارانم که فوتبال حوزه تخصصی آنهاست. خب شما دقیق‌تر می‌دانید که ویلموتس در مقدماتی جام جهانی ما را تا قهقرای جهنم برد و اسکوچیچ و تصمیم‌گیران ما را از لبه پرتگاه بالا آوردند و ما تقریبا به شکل آسانی به قطر راه پیدا کردیم و بعد به شکل تقریبا ناجوانمردانه‌ای آقای اسکوچیچ را کنار گذاشتیم و دوباره سراغ آقای کی‌روش رفتیم! این کار به لحاظ اخلاقی، اجتماعی، انسانی و فوتبالی غلط بود یا درست بود؟

غلط بود.

چه کسی باید جلویش را می‌گرفت که نگرفت؟

خود فدراسیون نباید می‌گذاشت این کار بشود.

مصلحت گفت اسکوچیچ نباشد و کی‌روش باشد؟

نه دیگر. آنجا حتما خواستند بگویند و گفتند که مثلا ما می‌خواهیم کسی را بیاوریم که حتما خیلی ...

> مردم خیلی به آقای کی‌روش علاقه داشتند و همه می‌گفتند دیگر به‌به، کی‌روش بهترین مربی است. به نظر من، اشتباه اینها این بود که گول این را خوردند که حالا که آقای کی‌روش را همه قبول دارند و خیلی هم از نظر فنی بالاست و دو، سه تا جام جهانی هم مربیگری کرده و رفته، بگذارید ما ریسک نکنیم و اسکوچیچ را نگه نداریم. بگذارید کی‌روش را بیاوریم و حتما بالا می‌رویم